



ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت سود

دکتر الناز تجویدی^۱

استادیار حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

محسن قائم پناه^۲ ©

کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳ شهریور ۱۳۹۷؛ تاریخ پذیرش: ۵ دی ۱۳۹۷)

کمیته حسابرسی به عنوان جزئی از ساختار حاکمیت شرکتی، موظف بر نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی می‌باشد و محدود کردن مدیریت سود یکی از مزایای اصلی شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی به شمار می‌رود. از این‌رو، این مطالعه به بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت سود تعهدی می‌پردازد. برای این منظور داده‌های مربوط به ۸۸ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش حاکی از این است که مشارکت کارشناسان مالی در کمیته حسابرسی، افزایش استقلال و اندازه کمیته حسابرسی با مدیریت سود کمتر، رابطه معناداری دارد. همچنین، نتایج پژوهش حاکی از وجود رابطه یو وارونه شکلی (∩) بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت سود می‌باشد. به عبارت دیگر، استقلال کم کمیته حسابرسی قادر به جلوگیری از رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران نخواهد بود. بنابراین، زمانیکه اکثریت اعضای کمیته حسابرسی مستقل باشند (بیش از ۵۰٪)، استقلال کمیته حسابرسی منجر به کاهش مدیریت سود می‌گردد. علاوه بر این، نتایج پژوهش حاکی از وجود رابطه یو شکلی (∪) بین تعداد جلسات کمیته حسابرسی و مدیریت سود می‌باشد. در این راستا، برگزاری جلسات ماهانه کمیته حسابرسی (۱۲ جلسه در سال) بیشترین اثربخشی را در جلوگیری از مدیریت سود دارد. تعداد موثر جلسات کمیته حسابرسی از طریق حداقل منحنی (سطح کمیته) تعیین می‌گردد؛ که منعکس‌کننده پایین‌ترین سطح اقدام تعهدی اختیاری می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: ویژگی‌های کمیته حسابرسی، اثربخشی کمیته حسابرسی، مدیریت سود.

^۱ elnaztaj@gmail.com

^۲ ghaemmohsen@gmail.com

مقدمه

از مسائل مهمی که به دلیل رسوایی‌های گسترده مالی در سطح شرکت‌های بزرگ (همچون ورلدکام، انرون، ای‌توی، تورتل و...) مورد توجه محققان قرار گرفته است اثربخشی مکانیزم‌های کمیته حسابرسی در نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی می‌باشد. بررسی علل و شرایط ایجاد این رسوایی‌ها مشخص کرده است که در موارد فقدان نظارت بر مدیریت و نظارت ناکافی سهامداران شرکت‌ها بر نحوه اداره امور و سپردن اختیارات نامحدود به مدیران اجرایی زمینه مساعدی را برای سوء استفاده آنان فراهم کرده است. جلوگیری از بروز چنین شرایطی مستلزم اعمال حاکمیت صحیح سهامداران از طریق نظارت دقیق بر مدیریت اجرایی و حسابرسی منظم شرکت‌هاست که در مجموع تحت عنوان فرآیند حاکمیت شرکتی شناخته می‌شود [۱]. کمیته حسابرسی به عنوان یکی از کمیته‌های فرعی هیئت مدیره و جزئی ضروری از ساختار اثر بخش کنترل داخلی شرکت به حساب آمده و همچنین وظیفه با اهمیتی از طرف سهامداران جهت نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی و حسابرسی داخلی و همچنین حسابرسی مستقل دارد [۲]. در ادبیات مالی، کمیته حسابرسی به عنوان جزئی از ساختار حاکمیت شرکتی، ابزاری برای کاهش هزینه‌های نمایندگی و همچنین وسیله نظارتی اثر بخشی برای بهبود روابط نمایندگی تلقی می‌شود [۵]. به عبارت دیگر، کمیته حسابرسی موظف بر نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی می‌باشد و محدود کردن مدیریت سود فرصت‌طلبانه یکی از مزایای اصلی شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی به شمار می‌رود [۶]، [۳۳]، [۴۸]. نتایج پژوهش‌های موجود در زمینه اثر اجزای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود در ایران و سایر کشورها نامتجانس (درهم آمیخته) می‌باشد، که این تضاد در نتایج، تصمیم‌گیری درباره اثربخشی کمیته حسابرسی را دشوار می‌نماید. توجهی درهم آمیختگی نتایج پژوهش‌های پیشین می‌تواند ریشه در رابطه غیرخطی بین اجزای کمیته حسابرسی و مدیریت سود باشد [۴۶]. در این راستا، پژوهش حاضر علاوه بر بررسی اثرات خطی ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود؛ رابطه غیرخطی بین متغیرهای مذکور را بررسی می‌کند. انتظار می‌رود پژوهش حاضر با ارائه شواهدی از شرکت‌های بورسی، ادبیات موجود در زمینه اثربخشی کمیته حسابرسی را غنا بخشد.

در ادامه با مرور بر مبانی نظری پژوهش، پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس فرضیه‌های پژوهش، روش‌شناسی پژوهش، متغیرها و الگوی پژوهش ارائه می‌گردد. در نهایت نیز یافته‌های پژوهش، نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه می‌گردد.

مبانی نظری و ادبیات پژوهش

مبانی نظری اکثر مطالعات موجود در زمینه بررسی رابطه کمیته حسابرسی و مدیریت سود، تئوری نمایندگی (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶) می‌باشد [۱۳]. براساس تئوری نمایندگی وجود عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع ناشی از روابط نمایندگی بین مدیران و سهامداران، مدیران را قادر می‌سازد از طریق گزارشگری مالی تصمیمات سرمایه‌گذاران را تحت تاثیر قرار دهند و موجبات گمراهی و فریب آنان را فراهم آورند [۲۷]. رابطه نمایندگی قراردادی است که بر اساس آن یک یا چند نفر مالک، شخص دیگری را به عنوان نماینده یا عامل خود منصوب می‌کنند و اختیارات تصمیم‌گیری در خصوص نحوه

مدیریت شرکت یا سازمان را به آنها می‌سپارند. این رابطه نمایندگی باعث ایجاد تضاد منافی می‌گردد که ناشی از جدایی مالکیت از مدیریت می‌باشد. در نتیجه این جدایی، هدف‌های متفاوت و عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران به وجود می‌آید که می‌تواند به بحران مالی منجر شود. یعنی ممکن است مدیران دست به رفتارهای فرصت طلبانه زده و تصمیماتی را اتخاذ نمایند که در جهت منافع آنها و تضاد منافع سهامداران باشد. لذا در ادبیات حسابداری، نظام راهبری شرکتی به عنوان راهکاری برای ایجاد کنترل و توازن بین منافع مدیران و سهامداران، کاهش هزینه‌های نمایندگی، مقابله با مدیریت سود، ایجاد ارزش برای شرکت‌ها و پیش‌گیری از درماندگی مالی شرکت‌ها تعریف شده است [۵]. در این راستا، مکانیزم‌های نظارتی داخلی و خارجی با افزایش ریسک شناسایی و مجازات‌های قریب الوقوع، از گزارشگری فرصت طلبانه مدیران جلوگیری کرده و منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردند [۱۳]. کمیته حسابرسی به عنوان یکی از مکانیزم‌های نظارتی با عملکرد خود در رابطه با بهبود کیفیت و صحت اطلاعات مالی از طریق نظارت مستمر بر رفتارهای فرصت طلبانه مدیران منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران می‌گردد. در این راستا، کمیته‌های حسابرسی می‌توانند از طریق نظارت مستقیم بر کیفیت گزارشگری مالی منجر به کاهش هزینه‌های نمایندگی گردند [۱۴].

شواهد تجربی موجود در رابطه با تاثیر وجود کمیته حسابرسی بر مدیریت سود حاکی از نتایج متفاوتی می‌باشد. مطالعه دیویدسون و همکاران (۲۰۰۵) نشان می‌دهد بین وجود کمیته حسابرسی و مدیریت سود رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. پیوت و جانین (۲۰۰۷) استدلال می‌کنند که وجود کمیته حسابرسی با مدیریت سود کمتر در ارتباط می‌باشد. این نتیجه توسط مطالعه ارنست‌برگر و همکاران (2012) حمایت می‌گردد؛ بدین صورت که در صورت وجود کمیته حسابرسی احتمال وجود اشتباه در صورتهای مالی مبتنی بر IFRS کمتر می‌باشد. با این حال، مطالعه جرالدر آلوز (۲۰۱۱) و ولتی و استیگل بوی (۲۰۱۱) در پرتغال و آلمان رابطه معناداری بین وجود کمیته حسابرسی و مدیریت سود نشان نمی‌دهد. در ایران نیز مطالعه سپاسی و کاظم‌پور (۱۳۹۴) نشان می‌دهد وجود کمیته حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی منجر به کاهش هموارسازی سود می‌گردد.

ادبیات موضوعی در رابطه با کمیته حسابرسی نشان می‌دهد اثربخشی کمیته حسابرسی در اصل تابع ویژگی‌های کمیته حسابرسی می‌باشد [۱۷]، [۳۷]. بنابراین، ترکیب درست، منابع، مهارت و تخصص اعضای کمیته حسابرسی توانایی کمیته حسابرسی در شناسایی و جلوگیری از مدیریت سود افزایش می‌دهد. در این راستا، در ادامه برخی از ویژگی‌های کمیته حسابرسی تشریح و بررسی می‌گردد.

ویژگی‌های کمیته حسابرسی

وجود کمیته حسابرسی یکی از مکانیزم‌های نظارتی قوی محسوب می‌شود، با این وجود قطعی است که تشکیلات و عملیات کمیته حسابرسی در دستیابی به اثرات مثبت نظارتی آن تاثیرگذار است [۱۳]. دیورت و همکاران (۲۰۰۲) ترکیب، منابع، قدرت و فعالیت کمیته حسابرسی را به عنوان عوامل اصلی تعیین‌کننده اثربخشی کمیته حسابرسی مشخص می‌کنند. براساس پژوهش‌های پیشین در رابطه با اثربخشی کمیته حسابرسی و با توجه به داده‌های در دسترس شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق

بهادار تهران از معیارهایی برای این اندازه‌گیری این عوامل برای بررسی اثرات آنها بر مدیریت سود استفاده می‌شود. در این راستا، اطلاعات در دسترس امکان استفاده از تخصص مالی به عنوان ترکیب کمیته حسابرسی، اندازه کمیته حسابرسی به عنوان منابع، تعداد جلسات به عنوان فعالیت کمیته حسابرسی [۱۳] و استقلال کمیته حسابرسی به عنوان قدرت کمیته حسابرسی را فراهم می‌آورد.

تخصص مالی

دانش تخصص اعضای کمیته حسابرسی در زمینه حسابداری و حسابرسی برای ارزیابی مستقل و مفهومی موضوعات ارائه شده به آنها ضروری می‌باشد [15]. بدارد و جندرون (۲۰۱۰) معتقدند که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی منجر به شناسایی و طرح سوالات آگاهانه از مدیریت و حسابرسان خارجی شده و باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌گردد. وظیف کلیدی کمیته حسابرسی مشاهده فرآیند گزارشگری مالی برای اطمینان از کیفیت بالای گزارشگری مالی می‌باشد، بنابراین دسترسی به حسابدار و متخصص مالی در کمیته حسابرسی موجب افزایش کارایی و توانایی در کشف و جلوگیری از مدیریت سود می‌شود.

پژوهش‌های مختلف در این زمینه ([۱۰]، [۱۳]، [۴۵]، [۳۶]، [۴۱]) نشان می‌دهند که تخصص اعضای کمیته حسابرسی با مدیریت سود کمتر در ارتباط می‌باشد. مطالعه کارامانو و وافیز (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که تخصص مالی اعضا تاثیر مثبتی بر کیفیت سود شرکت‌ها دارد. شارما و کوانگ (۲۰۱۴) دریافتند که تخصص مالی اعضای مستقل کمیته حسابرسی با مدیریت سود فرصت طلبانه کمتر در ارتباط است. بنابراین، انتظار می‌رود یافته‌های پژوهش حاضر با شواهد تجربی موجود هماهنگ باشد.

استقلال کمیته حسابرسی

کمیته حسابرسی برای اینکه بتواند اثربخش عمل کند، باید مستقل از واحد اقتصادی باشد. برای حفظ استقلال، اعضای کمیته حسابرسی باید از بین اعضای غیرموظف یا خارج از سازمان انتخاب شوند. مدیرانی که ارتباط آنها با واحد اقتصادی به گونه‌ای نباشد که به استقلال آنها خدشه‌ای وارد شود [۸]. بیزلی و همکاران (۲۰۰۰) دریافتند که کمیته حسابرسی در شرکت‌هایی که گزارشگری متقلبانانه دارند از استقلال کمتری نسبت به دیگر شرکت‌ها برخوردار هستند. کلین (۲۰۰۲) استدلال می‌کند که استقلال اعضای کمیته حسابرسی بر اثربخشی کمیته حسابرسی در نظارت بر گزارشگری مالی تاثیرگذار است. ابوت و همکاران (۲۰۰۰) نشان می‌دهند که تحریف کمتر صورت‌های مالی با استقلال بیشتر کمیته حسابرسی مرتبط می‌باشد. ادبیات موضوعی نشان می‌دهد که استقلال کامل کمیته حسابرسی از منافع سهامداران به نحو بهتری محافظت می‌کند و نقش موثرتری در نظارت ایفا می‌کند [۱۸]. به طور کلی اعتقاد بر این است که کمیته حسابرسی مستقل نظارت موثری بر صورت‌های مالی تهیه شده توسط مدیریت فراهم آورده و اعتبار صورت‌های مالی را تضمین می‌کند [۳۱].

ادبیات موضوعی نتایج متفاوتی در رابطه با تاثیر استقلال کمیته حسابرسی بر مدیریت سود نشان می‌دهد. مطالعه سلیمان و رجب (۲۰۱۴)، لین و هوانگ (۲۰۱۰)، دیدسون و همکاران (۲۰۰۵)، بدارد و همکاران (۲۰۰۴) و سلیمانی و فصیحی (۱۳۹۴) رابطه منفی و معناداری بین استقلال کمیته حسابرسی و شیوه‌های

مدیریت سود گزارش می‌کند. با این حال، مطالعه فودیو و همکاران (۲۰۱۳) و فخاری و همکاران (۱۳۹۴) حاکی از وجود رابطه مثبت و معناداری بین استقلال کمیته حسابرسی و شیوه‌های مدیریت سود می‌باشد. علاوه بر این، جوهمانی (۲۰۱۷)، نصیرزاده و همکاران (۱۳۹۶)، سیرگار و اتوما (۲۰۰۸) و لین و همکاران (۲۰۰۶) به رابطه معناداری بین استقلال کمیته حسابرسی و شیوه‌های مدیریت سود دست نیافتند. در این راستا، با توجه به وجود یافته‌های متناقض علاوه بر بررسی رابطه خطی، رابطه غیرخطی بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت سود نیز بررسی می‌گردد.

اندازه کمیته حسابرسی

اثر بخشی کمیته حسابرسی تا حد زیادی به نتایج در دسترس و تعداد اعضای تشکیل دهنده آن مربوط می‌باشد [۱۲]. اکثر مطالعات پیشین و الزامات قانونی (از جمله منشور کمیته حسابرسی) بیان می‌کنند که کمیته حسابرسی باید دارای ۳ تا ۵ عضو بوده و ترجیحاً از اکثریت مدیران مستقل تشکیل شده باشد [۱۹]، [۱۲]. کاپریویکا (۲۰۰۹) تعداد اعضای کمتر از ۳ عضو را بحرانی تلقی می‌کند و معتقد است برای تصمیم‌گیری موثر کمیته حسابرسی حداقل ۳ عضو لازم می‌باشد. با این حال نتایج مطالعات پیشین متفاوت می‌باشد. برخی از مطالعات در این زمینه دریافته‌اند که اندازه کمیته حسابرسی به صورت منفی با مدیریت سود و به صورت مثبت با کیفیت سود رابطه دارد ([۲۴]، [۳۸]، [۲۶]). در حالیکه سایر مطالعات ([۴۵]، [۱۵]، [۱۸]) به رابطه معناداری بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت سود نیافتند. توجه در هم‌آمیختگی نتایج پژوهش‌های پیشین می‌تواند ریشه در رابطه غیرخطی بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت سود یا اهمیت کم اندازه کمیته حسابرسی نسبت به سایر ویژگی‌های کمیته حسابرسی باشد [۴۶]، [۱۳]. وافیز (۲۰۰۵) استدلال می‌کند که اگر اندازه کمیته حسابرسی خیلی کوچک باشد منجر به کاهش اثربخشی نظارت خواهد شد. شاید کمیته حسابرسی خیلی کوچک قادر به انجام کارها به صورت موثر نباشد. در این زمینه منون و ویلیامز (۱۹۹۴) بیان می‌کنند که کمیته حسابرسی با تعداد کمتر از ۳ عضو به احتمال زیاد بی‌فایده می‌باشد. با این حال، در صورتی که اندازه کمیته حسابرسی بیش از حد بزرگ باشد ممکن است عملکرد اعضای کمیته حسابرسی به دلیل مشکلات هماهنگی و فرآیند طولانی کاهش یابد و منجر به نظارت ضعیف گردد [۲۹]، [۴۶]. به عبارت دیگر زمانیکه کمیته حسابرسی بیش از حد بزرگ باشد ممکن است اثرات مثبت آن به دلیل ارتباطات ضعیف و محدود اعضا، کارایی کمتر فرآیندهای تصمیم‌گیری و پراکندگی مسئولیت بین اعضا کاهش یابد [۳۴]. لین و همکاران (۲۰۰۸) معتقدند که کمیته‌های حسابرسی با تعداد اعضای بیشتر منجر به ایجاد بحث‌های غیر ضروری و تاخیر در تصمیم‌گیری و شکل‌گیری ارتباطات ضعیف‌تر می‌گردد. در این زمینه فیش‌بیچ (۲۰۰۳) و کاپریویکا (۲۰۰۹) تعداد ۶ عضو را بحرانی تلقی می‌کنند. در نتیجه به نظر محدوده بهینه تعداد اعضای کمیته حسابرسی ۳ تا ۶ عضو خواهد بود [۱۳].

جلسات کمیته حسابرسی

تعداد جلسات کمیته حسابرسی شاخصی برای سطح فعالیت کمیته حسابرسی است. فعالیت به وسیله تمایل اعضا کمیته حسابرسی به انجام وظایف نظارتی خود به طور مناسب تعریف می‌شود. کمیته

حسابرسی در صورتی که فعال نباشد بدیهی است که حتی با ترکیب و منابع مناسب هم نمی‌تواند اثرات مثبتی بر کیفیت گزارشگری مالی داشته باشد [۱۳]. چوی و همکاران (۲۰۰۴) نشان می‌دهند احتمال شناسایی مدیریت سود در کمیته‌های حسابرسی فعال بیشتر می‌باشد. لی و همکاران (۲۰۱۲) معتقدند که کمیته حسابرسی فعال با برگزاری جلسات مکرر در طول سال فرصت بیشتری برای بحث و ارزیابی موضوعات مربوط به گزارشگری مالی خواهند داشت. مطالعه ژای و همکاران (۲۰۰۳) نشان می‌دهد برگزاری جلسات منظم کمیته حسابرسی در طول سال مالی با نظارت موثر مرتبط می‌باشد. نتایج مطالعات پیشین در این زمینه نیز نامتجانس (درهم آمیخته) می‌باشد. به طور مثال مطالعه سلیمان و رجب (۲۰۱۴)، متاوی (۲۰۱۳)، لین و هوانگ (۲۰۱۰)، وافیز (۲۰۰۵)، یانگ و کریشنان (۲۰۰۵)، و ژای و همکاران (۲۰۰۳) حاکی از وجود رابطه منفی بین جلسات کمیته حسابرسی و مدیریت سود می‌باشد. در حالیکه نتایج مطالعات جوهمانی (۲۰۱۷)، باکستر و کوتر (۲۰۰۹)، لین و همکاران (۲۰۰۶)، دیویدسون و همکاران (۲۰۰۵)، و بدارد و همکاران (۲۰۰۴) رابطه معناداری بین جلسات کمیته حسابرسی و مدیریت سود نشان نمی‌دهد. بنابراین با توجه به درهم آمیختگی موجود در نتایج پژوهش‌های پیشین علاوه بر بررسی رابطه خطی، رابطه غیرخطی بین متغیرهای مذکور نیز بررسی می‌شود. در این زمینه فرض می‌شود تعداد بالای جلسات ممکن است حاکی از عملکرد بی‌فایده کمیته حسابرسی باشد. به عنوان مثال جلسات کوتاه دلالت بر حل نشدن موضوعات حسابداری به طور مناسب می‌باشد [۱۳].

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر فرآیند اجرا (نوع داده‌ها) یک پژوهش کمی، از منظر نتیجه اجرای آن یک پژوهش کاربردی، از منظر هدف اجرا یک پژوهش تحلیلی (به روش همبستگی)، از منظر منطق اجرا یک پژوهش قیاسی - استقرایی و از منظر بعد زمانی، یک پژوهش طولی (پس رویدادی) است. اطلاعات مربوط به متغیرها از صورت‌های مالی سالانه، گزارش هیئت مدیره، گزارش کمیته حسابرسی و سایر منابع موجود در پایگاه کدال استخراج شده است. همچنین، جهت پردازش اطلاعات از نرم افزارهای Eviews 9 و Stata12 استفاده شده است.

جامعه آماری و نمونه

جامعه آماری این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. نمونه مورد استفاده متشکل از کلیه شرکت‌های موجود در جامعه آماری است که حائز معیارهای زیر باشند:

۱. در طول دوره پژوهش تغییر در دوره مالی نداشته باشند، تا نتایج عملکرد مالی، قابل مقایسه باشند.
۲. داده‌های مورد نیاز جهت متغیرهای پژوهش در طول دوره زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۴ موجود باشند، تا درحداکثر بتوان محاسبات را بدون نقص انجام داد.
۳. به دلیل متفاوت بودن ساختار صورت‌های مالی، جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، موسسات مالی و اعتباری، بیمه‌ها و هلدینگ‌ها نباشد.
۴. در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ دارای کمیته حسابرسی باشند.

شرایط مذکور منجر به انتخاب ۸۸ شرکت به عنوان نمونه آماری پژوهش حاضر گردید.

مدل‌ها و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های خطی و غیرخطی استفاده شده است؛ بدین طریق که در آزمون فرضیه‌های ۱ تا ۴ از روابط خطی شماره ۱ و ۲؛ و جهت آزمون فرضیه‌های ۲ تا ۴ از روابط غیرخطی شماره ۳، ۴ و ۵ استفاده شده است. با توجه به افزایش تعداد جلسات کمیته حسابرسی توسط ۱۸٪ از شرکت‌های نمونه، فرضیه ۴ پژوهش با استفاده از رابطه (۲) و جدای از سایر ویژگی‌ها آزمون شده است. رابطه (۱)

$$EM_{it} = \alpha_1 + \beta_1 AC\ Expert_{it} + \beta_2 AC\ Indep_{it} + \beta_3 AC\ Size_{it} + Control\ Variables + \varepsilon_{it}$$

$$EM_{it} = \alpha_1 + \beta_1 AC\ Meet_{it} + Control\ Variables + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه (۲)}$$

$$EM_{it} = \alpha_1 + \beta_1 AC\ Indep_{it} + \beta_2 AC\ Indep_{it}^2 + Control\ Variables + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه (۳)}$$

$$EM_{it} = \alpha_1 + \beta_1 AC\ Size_{it} + \beta_2 AC\ Size_{it}^2 + Control\ Variables + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه (۴)}$$

$$EM_{it} = \alpha_1 + \beta_1 AC\ Meet_{it} + \beta_2 AC\ Meet_{it}^2 + Control\ Variables + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه (۵)}$$

Control Variables:

[LEV, Growth, Loss, NegCF, Size, ABSNI, ABSCF, Big4]

متغیر وابسته

مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیر برای گزارشگری مالی از قضاوت شخصی خود استفاده می‌کند و این کار را با هدف گمراه کردن برخی از سهامداران درباره عملکرد واقعی و اقتصادی و یا برای تاثیر بر نتایج قراردادهایی که به ارقام حسابداری گزارش شده بستگی دارند، انجام دهد [۲۸]. مطالعات موجود درباره مدیریت سود عموماً متوجه اقلام تعهدی بوده است. اقلام تعهدی از تفاوت بین سود و وجوه نقد حاصل از عملیات حاصل می‌گردد، که شامل هزینه استهلاک، تغییرات در دارایی‌ها و بدهی‌های جاری به غیر از وجه نقد (از قبیل حساب‌های دریافتی، موجودی کالا و حساب‌های پرداختی) می‌باشد. در نتیجه، با این فرض که جریان وجه نقد دستکاری نمی‌شود، تنها راه باقیمانده برای دستکاری سود، افزایش یا کاهش اقلام تعهدی می‌باشد [۹]. از آنجا که مدیریت سود به طور مسقیم قابل اندازه‌گیری نیست، ادبیات مدیریت سود، چندین روش برآورد مدیریت سود بالقوه را پیشنهاد می‌کند. در پژوهش حاضر روش ارائه شده توسط کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) استفاده شده است. در این شیوه کل اقلام تعهدی به شکل زیر محاسبه می‌شود:

$$TA_{it} = NI_{it} - CFO_{it} \quad \text{رابطه (۳)}$$

که در آن، TA: کل اقلام تعهدی، CFO: وجوه نقد حاصل از عملیات، NI: سود خالص می‌باشد. سپس مدل زیر در مورد کل اقلام تعهدی به صورت مقطعی برازش می‌شود:

$$\frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_1 + \beta_1 \left[\frac{1}{A_{it-1}} \right] + \beta_2 \left[\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right] + \beta_3 \left[\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right] + \beta_4 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

در این رابطه،

ΔREV : تغییرات درآمد فروش

ΔREC : تغییرات حساب‌های دریافتنی

PPE : ناخالص دارایی‌های ثابت

ROA : بازده دارایی‌ها

A_{it-1} : دارایی‌های ابتدای دوره می‌باشد.

پس از برآورد الگوی مذکور مقادیر خطای مدل، اقلام تعهدی اختیاری را نشان می‌دهد. در پژوهش حاضر به پیروی از پژوهش آلبرسمن و هانفیلز (۲۰۱۷) از قدر مطلق مقادیر اقلام تعهدی اختیاری شرکت‌ها به عنوان مدیریت سود استفاده شده است.

متغیرهای مستقل

$ACIndep$: نسبت اعضای مستقل کمیته حسابرسی،

$ACExpert$: نسبت اعضای دارای تخصص مالی و حسابداری کمیته حسابرسی،

$ACSize$: تعداد اعضای کمیته حسابرسی، و

$ACMeet$: تعداد جلسات کمیته حسابرسی در طول سال می‌باشد.

متغیرهای کنترلی

مطابق با پژوهش‌های آلبرسمن و هانفیلز (۲۰۱۷)، جوهراماری (۲۰۱۷) و سلیمان و رجب (۲۰۱۴) متغیرهای کنترلی به شرح زیر وارد مدل شده است:

Lev : اهرم مالی شرکت که برابر است با نسبت کل بدهی به کل دارایی.

$Growth$: رشد شرکت که برابر است با تغییرات رشد فروش نسبت به سال قبل.

$Loss$: متغیر مجازی زیان‌ده بودن شرکت به گونه‌ای که اگر شرکت زیان‌ده باشد عدد یک و در غیراین صورت عدد صفر.

$NegCF$: متغیر مجازی جریان نقدی عملیاتی شرکت به گونه‌ای که اگر جریان حاصل از فعالیت‌های عملیاتی منفی باشد عدد یک و در غیراین صورت عدد صفر.

$Size$: اندازه شرکت که برابر است با لگاریتم طبیعی دارایی‌های شرکت.

$ABSNI$: قدر مطلق سود (زیان) خالص شرکت‌ها.

$ABSCF$: قدر مطلق جریان نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی.

$Big4$: متغیر مجازی حسابرسی شرکت به گونه‌ای که اگر حسابرسی شرکت سازمان حسابرسی باشد عدد یک و در غیراین صورت عدد صفر تعلق می‌گیرد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش و به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین شده است. قابل ذکر است که برآورد فرضیه‌های دوم، سوم و چهارم از طریق مدل‌های خطی و غیرخطی انجام شده است.

فرضیه اول: ترکیب کمیته حسابرسی (تخصص مالی اعضا) بر مدیریت سود تاثیر منفی و معناداری دارد.
فرضیه دوم: قدرت کمیته حسابرسی (استقلال اعضا) بر مدیریت سود تاثیر معناداری دارد (رابطه منفی در مدل خطی).

فرضیه سوم: منابع کمیته حسابرسی (اندازه کمیته) بر مدیریت سود تاثیر معناداری دارد (رابطه منفی در مدل خطی).

فرضیه چهارم: فعالیت کمیته حسابرسی (تعداد جلسات) بر مدیریت سود تاثیر معناداری دارد (رابطه منفی در مدل خطی).

نتایج آزمون فرضیه‌ها و یافته‌های پژوهش

نگاره (۱) آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون را برای نمونه‌ای متشکل از ۸۸ شرکت در فاصله زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ نشان می‌دهد. متوسط مدیریت سود در شرکت‌های مورد مطالعه ۹٫۶ درصد دارایی‌های ابتدای دوره می‌باشد؛ که این متغیر در بیشترین حالت ۸۰ درصد و در کمترین حالت ۰/۰۰۱ درصد می‌باشد. متوسط تعداد اعضای کمیته حسابرسی ۳/۲ نفر می‌باشد که در بازه ۳ تا ۶ نفر متغیر می‌باشد. این نتیجه حاکی از رعایت منشور کمیته حسابرسی در بین شرکت‌های مورد مطالعه می‌باشد. متوسط نسبت اعضای مستقل در کمیته‌های حسابرسی ۷۲/۷٪ می‌باشد که این نسبت در بدترین حالت صفر می‌باشد. این امر حاکی از عدم رعایت منشور کمیته حسابرسی توسط برخی از شرکت‌های نمونه می‌باشد؛ طبق این منشور یک یا دو عضو غیرموظف (مستقل) باید در کمیته‌های ۳ یا ۵ نفره حضور داشته باشد. متوسط تعداد جلسات کمیته حسابرسی حدوداً ۱۱ جلسه می‌باشد که این تعداد از ۵ تا ۲۰ جلسه متغیر می‌باشد. همچنین حدود ۷۹٪ اعضای کمیته حسابرسی را افراد متخصص تشکیل می‌دهند که این نسبت در بهترین و بدترین حالت ۱۰۰ درصد و ۳۳ درصد می‌باشد. متوسط نسبت بدهی شرکت‌ها نشان می‌دهد که به طور متوسط ۵۶ درصد دارایی‌های شرکت‌های نمونه از محل بدهی تامین مالی شده است. این نسبت در بیشترین و کمترین حالت ۱/۵۶ و ۰/۱۲ می‌باشد. بیشتر بودن نسبت بدهی از عدد یک نشان می‌دهد در نمونه مورد بررسی حداقل یک شرکت وجود دارد که بخش حقوق صاحبان سهام آن منفی بوده است؛ به عبارت دیگر از زیان انباشته بالایی برخوردار است. همچنین، ۸/۷ درصد از شرکت‌های مورد بررسی زیان‌ده بوده‌اند. علاوه بر این، حسابرسی ۱۸/۶ درصد از شرکت‌های مورد بررسی توسط سازمان حسابرسی انجام شده است.

نگاره ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه
مدیریت سود	EM	۰/۰۹۶	۰/۰۶۹	۰/۸۰۱	۰/۰۰۰۱
تخصص اعضا	ACExpert	۰/۷۹۶	۰/۸۰۰	۱	۰/۳۳۳
استقلال اعضا	ACIndep	۰/۷۲۷	۰/۶۶۷	۱	۰
اندازه کمیته	ACSize	۳/۲۰۲	۳	۶	۳
تعداد جلسات	ACMeet	۱۰/۹۴۱	۱۲	۲۰	۵
رشد شرکت	Growth	۰/۱۹۵	۰/۱۴۷	۲/۱۲۶	-۰/۲۹۸
نسبت بدهی	Lev	۰/۵۵۷	۰/۵۵۴	۱/۵۶۷	۰/۱۲۲
زیان‌دهی	Loss	۰/۰۸۷	۰	۱	۰
جریان نقد عملیاتی	NegCF	۰/۱۱۱	۰	۱	۰
اندازه شرکت	Size	۱۴/۴۲۱	۱۴/۱۴۱	۱۸/۹۱۹	۱۱/۱۵۷
قدرمطلق سود	ABSNI	۰/۱۵۶	۰/۱۲۸	۰/۵۵۳	۰/۰۰۰۰۱
قدرمطلق جریان نقد عملیاتی	ABSCF	۰/۱۵۵	۰/۱۱۹	۰/۶۴۲	۰/۰۰۱۹
نوع حسابرس	Big 4	۰/۱۸۶	۰	۱	۰

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش _ مدل خطی

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، ابتدا به انتخاب الگوی مناسب برای برآورد مدل‌های رگرسیونی پرداخته می‌شود. برای آزمون الگوی داده‌های تلفیقی در برابر الگوی داده‌های ترکیبی، از آزمون چاو (F لیمر) استفاده شده است. فرضیه صفر این آزمون، بیانگر عدم وجود اثرات تصادفی و تضادفی می‌باشد. در این راستا، در صورت عدم رد فرضیه صفر از الگوی تلفیقی برای برآورد مدل استفاده می‌شود، در مقابل در صورت رد فرضیه صفر باید با استفاده از آزمون هاسمن، الگوی اثرات تصادفی را در برابر الگوی اثرات ثابت آزمون کرده و الگوی برتر جهت برآورد مدل را انتخاب نمود. همچنین در این پژوهش برای تشخیص ناهمسانی واریانس با توجه به الگوی برآورد از آزمون والد تعدیل شده (الگوی اثرات ثابت) یا آزمون وایت (الگوی تلفیقی) استفاده گردید. نتایج حاصل از این آزمون‌ها در نگاره (۲) و (۳) ارائه شده است. نتایج آزمون چاو و هاسمن نشان می‌دهد برای برازش رابطه (۱) باید از الگوی داده‌های ترکیبی با اثرات ثابت و برای برازش رابطه (۲) باید از الگوی داده‌های تلفیقی استفاده کرد. همچنین، با توجه به نتایج آزمون والد تعدیل شده (رابطه ۱) و آزمون وایت (رابطه ۲) مبنی بر وجود ناهمسانی واریانس در بین داده‌های مدل، برای رفع این مشکل از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده شده است.

با توجه به میزان آماره F و سطح معناداری آن، مدل‌های رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. همچنین، آماره دوربین و واتسون حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین خطاهای رگرسیون

می‌باشد. مقدار عامل تورم واریانس (VIF) نیز برای کلیه متغیرهای مستقل کمتر از ۱۰ می‌باشد. بنابراین بین متغیرهای مستقل الگوهای مورد بررسی هم‌خطی وجود ندارد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش، حاکی از وجود رابطه منفی بین ترکیب کمیته حسابرسی با مدیریت سود می‌باشد. بنابراین، افزایش اعضای دارای تخصص مالی در کمیته حسابرسی منجر به کاهش مدیریت سود می‌گردد. به عبارت دیگر، اعضای دارای تخصص مالی با ایفای نقش نظارتی موثر خود در فرآیند گزارشگری مالی و جلوگیری از رفتارهای فرصت طلبانه مدیران منجر به کاهش مدیریت سود می‌گردند. بنابراین، فرضیه اول پژوهش تایید می‌گردد.

نگاره ۲. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش - مدل خطی

نام متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	VIF
ACExpert	-۰/۰۸۹	۰/۰۱۶	-۵/۴۹۸	۰/۰۰۰	۱/۰۴
ACIndep	-۰/۰۲۷	۰/۰۱۳	-۲/۰۶۱	۰/۰۴۱	۱/۰۶
ACSize	-۰/۰۲۲	۰/۰۱۰	-۲/۱۲۶	۰/۰۳۵	۱/۰۶
Growth	۰/۰۹۹	۰/۰۲۱	۴/۶۱۳	۰/۰۰۰	۱/۲۳
Lev	۰/۰۶۹	۰/۱۱۹	۰/۵۸۱	۰/۵۶۲	۱/۵۰
Loss	۰/۰۳۱	۰/۰۴۲	۰/۷۴۰	۰/۴۶۰	۱/۲۴
NegCF	۰/۱۱۸	۰/۰۱۰	۱۱/۱۳۹	۰/۰۰۰	۱/۷۹
Size	-۰/۰۶۸	۰/۰۴۰	-۱/۷۰۹	۰/۰۸۹	۱/۶۷
ABSNI	۰/۰۸۶	۰/۱۶۵	۰/۵۲۱	۰/۶۰۳	۲/۲۶
ABSCF	۰/۴۰۴	۰/۰۶۸	۵/۹۲۷	۰/۰۰۰	۱/۴۹
Big 4	-۰/۰۹۱	۰/۰۲۳	-۳/۸۸۷	۰/۰۰۰	۱/۰۶
Constant	۱/۱۱۴	۰/۶۴۸	۱/۷۲۰	۰/۰۸۷	-
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۳	دوربین واتسون		۲/۴۸	
آماره F	۲/۹۹۷ (۰/۰۰۰)	آزمون ناهمسانی واریانس		8.80E+08 (۰/۰۰۰)	
آزمون چاو (F لیمر)	۱/۶۱۴ (۰/۰۰۵)	آزمون هاسمن		۲۱/۷۸ (۰/۰۲۶)	

همچنین، نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش نشان می‌دهد رابطه منفی و معناداری بین قدرت کمیته حسابرسی و مدیریت سود وجود دارد. به عبارت دیگر، افزایش استقلال کمیته حسابرسی منجر به کاهش مدیریت سود می‌گردد. بنابراین، کمیته حسابرسی مستقل از طریق نظارت متقیم بر فرآیند

گزارشگری مالی موجب افزایش اثربخشی کمیته حسابرسی در جلوگیری از رفتارهای فرصت طلبانه مدیران می‌گردد. در این راستا، فرضیه دوم پژوهش تایید می‌گردد.

نگاره ۳. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش - مدل خطی

نام متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	VIF
ACMeet	-0/003	0/003	-1/058	0/300	1/29
Growth	0/086	0/035	2/281	0/032	2/45
Lev	0/044	0/062	0/698	0/491	2/67
Loss	0/187	0/392	4/781	0/000	2/84
NegCF	0/151	0/051	2/930	0/007	1/45
Size	-0/006	0/004	-1/533	0/138	1/68
ABSNI	-0/060	0/127	-0/472	0/641	7/69
ABSCF	0/351	0/098	3/57	0/001	3/87
Big 4	0/004	0/023	0/196	0/864	2/58
Constant	0/100	0/072	1/388	0/177	-
ضریب تعیین تعدیل شده	0/78		دوربین واتسون		1/99
آماره F	13/889 (0/000)		آزمون ناهمسانی واریانس		42/10 (0/000)
آزمون چاو (F لیمر)	0/157 (0/855)		آزمون هاسمن		-

علاوه بر این، نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش نشان می‌دهد رابطه منفی و معناداری بین منابع کمیته حسابرسی و مدیریت سود وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش اندازه کمیته حسابرسی مدیریت سود کاهش می‌یابد. در این راستا، کمیته حسابرسی بزرگ‌تر با بکارگیری تخصص‌های گوناگون و انجام نظارت موثرتر بر فرآیند گزارشگری مالی منجر به کاهش مدیریت سود می‌گردد. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش تایید می‌گردد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم پژوهش با استفاده از رابطه (۲) نشان می‌دهد رابطه معناداری بین فعالیت کمیته حسابرسی و مدیریت سود وجود ندارد. به عبارت دیگر، رابطه خطی معناداری بین تعداد جلسات برگزار شده و مدیریت سود وجود ندارد.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش - مدل غیرخطی

با توجه به نتایج آزمون چاو و هاسمن در برآزش روابط (۳) و (۴) از الگوی داده‌های ترکیبی با اثرات ثابت و در برآزش رابطه (۵) از الگوی داده‌های ترکیبی استفاده شده است. همچنین، با توجه به نتایج آزمون والد تعدیل شده (روابط ۳ و ۴) مبنی بر وجود ناهمسانی واریانس در بین داده‌های مدل، برای رفع این مشکل از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است.

با توجه به میزان آماره F و سطح معناداری آن، مدل‌های رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. همچنین، آماره دوربین واتسون حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین خطاهای رگرسیون بین متغیرهای مستقل می‌باشد.

نتیجه آزمون فرضیه دوم پژوهش (نگاره ۴) حاکی از وجود رابطه یو وارونه شکلی (∩) بین قدرت کمیته حسابرسی و مدیریت سود می‌باشد. به عبارت دیگر استقلال کم کمیته حسابرسی قادر به جلوگیری از رفتارهای فرصت طلبانه مدیران نمی‌باشد. با افزایش استقلال کمیته حسابرسی (و به تبع آن قدرت کمیته حسابرسی) میزان مدیریت سود روند نزولی به خود می‌گیرد. بنابراین کمیته‌های حسابرسی با تعداد اعضای مستقل بیش از ۵۰ درصد (۰/۵۷۸ = سطح بهینه) اثربخش بوده و قادر به جلوگیری از رفتارهای فرصت طلبانه مدیران خواهد بود. سطح بهینه نسبت اعضای مستقل کمیته حسابرسی با استفاده از نسبت ضرایب برآوردی رابطه (۳) به صورت $\frac{\beta_1}{2\beta_2}$ - محاسبه می‌شود.

نگاره ۴. نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش - مدل غیر خطی

نام متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
ACIndep	0/285	0/122	3/328	0/021
ACIndep ²	-0/238	0/095	-2/499	0/013
Growth	0/104	0/023	4/489	0/000
Lev	0/071	0/114	0/624	0/533
Loss	0/031	0/043	0/734	0/463
NegCF	0/113	0/013	8/622	0/000
Size	-0/064	0/036	-1/799	0/074
ABSNI	0/103	0/181	0/570	0/569
ABSCF	0/424	0/076	5/551	0/000
Big 4	-0/084	0/0156	-5/404	0/000
Constant	0/813	0/626	1/297	0/196
ضریب تعیین تعدیل شده	0/42	دوربین واتسون	2/46	
آماره F	8/288 (0/000)	آزمون ناهمسانی واریانس	25604/2 (0/000)	
آزمون چاو (F لیمر)	1/568 (0/000)	آزمون هاسمن	21/347 (0/000)	

نتیجه آزمون فرضیه سوم پژوهش (نگاره ۵) حاکی از وجود رابطه یو شکل (∪) بین منابع کمیته حسابرسی و مدیریت سود می‌باشد که این رابطه از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش مبنی بر وجود رابطه غیرخطی بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت سود تایید نمی‌شود.

نگاره ۵. نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش - مدل غیر خطی

نام متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
ACSize	-0/029	0/068	-0/426	0/671
ACSize ²	0/001	0/009	0/099	0/921
Growth	0/105	0/023	4/563	0/000
Lev	0/078	0/118	0/660	0/509
Loss	0/032	0/044	0/736	0/462
NegCF	0/111	0/011	10/094	0/000
Size	-0/073	0/038	-1/892	0/060
ABSNI	0/093	0/175	0/536	0/592
ABSCF	0/407	0/069	5/829	0/000
Big 4	-0/086	0/016	-5/211	0/000
Constant	1/096	0/714	1/534	0/127
ضریب تعیین تعدیل شده	0/41	دوربین واتسون	2/48	
آماره F	2/877 (0/000)	آزمون ناهمسانی واریانس	28702/9 (0/000)	
آزمون چاو (F لیمر)	1/549 (0/009)	آزمون هاسمن	20/10 (0/028)	

نگاره ۶. نتایج آزمون فرضیه چهارم پژوهش - مدل غیر خطی

نام متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
ACMeet	-0/030	0/010	-2/995	0/006
ACMeet ²	0/001	0/0004	2/842	0/009
Growth	0/096	0/028	3/467	0/002
Lev	0/074	0/051	1/442	0/163
Loss	0/165	0/035	4/756	0/000
NegCF	0/125	0/036	3/493	0/002
Size	-0/009	0/004	-2/263	0/033
ABSNI	-0/026	0/111	-0/242	0/811
ABSCF	0/293	0/085	3/443	0/002
Big 4	0/005	0/018	0/253	0/803
Constant	0/277	0/090	3/067	0/005
ضریب تعیین تعدیل شده	0/83	دوربین واتسون	1/99	
آماره F	17/27 (0/000)	آزمون ناهمسانی واریانس	0/18 (0/671)	
آزمون چاو (F لیمر)	0/132 (0/877)	آزمون هاسمن	-	

نتیجه آزمون فرضیه چهارم نیز حاکی از وجود رابطه شکل (U) بین فعالیت کمیته حسابرسی و مدیریت سود می‌باشد (نگاره ۶). براین اساس افزایش تعداد جلسات کمیته منجر به کاهش مدیریت سود می‌گردد؛ اما پس از یک سطح مطلوب افزایش تعداد جلسات به دلیل مشکلات هماهنگی و ... قادر به جلوگیری از رفتارهای فرصت طلبانه مدیران نبوده و مدیریت سود افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر سطحی از تعداد جلسات وجود دارد که در آن سطح مدیریت سود به کمترین میزان خود می‌رسد. سطح بهینه تعداد جلسات کمیته حسابرسی در نمونه مورد بررسی ۱۲ جلسه می‌باشد (۱۲/۳۶ = سطح بهینه)؛ به عبارت دیگر، برگزاری جلسات ماهانه کمیته حسابرسی بیشترین اثربخشی در جلوگیری از مدیریت سود را دارد. افزایش تعداد جلسات به بیش از این سطح اثربخشی فعالیت کمیته حسابرسی در جلوگیری از مدیریت سود را کاهش می‌دهد. نقطه بهینه تعداد جلسات کمیته حسابرسی با استفاده نسبت ضرایب برآوردی رابطه (۵) به صورت $\frac{\beta_1}{2\beta_2}$ محاسبه می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این مطالعه به بررسی رابطه ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. در این راستا، رابطه خطی و غیرخطی بین متغیرهای مذکور با استفاده از داده‌های ۸۸ شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی منجر به ارزیابی تخصصی موضوعات مالی شده و با جلوگیری از رفتارهای فرصت طلبانه مدیران منجر به کاهش مدیریت سود می‌گردد. این نتیجه با یافته‌های آلبرسمن و هانفیلز (۲۰۱۷)، نصیرزاده و همکاران (۱۳۹۶)، سلیمان و رجب (۲۰۱۴)، کریشنان و همکاران (۲۰۱۱) و نایکر و شارما (۲۰۰۹) سازگار می‌باشد. همچنین، نتایج حاکی از این است که منابع بیشتر کمیته حسابرسی یا به عبارتی تعداد اعضای زیاد کمیته حسابرسی به دلیل وجود تخصص و تجربه‌های گوناگون اعضا موجب نظارت موثر بر فرآیند گزارشگری مالی شده و باعث کاهش مدیریت سود می‌گردد. این نتیجه با یافته‌های فودیو و همکاران (۲۰۱۳)، لین و هوانگ (۲۰۱۰) و گوش و همکاران (۲۰۱۰) هم‌راستا می‌باشد. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد استقلال کمیته حسابرسی منجر به کاهش مدیریت سود می‌گردد با این شرط که اکثریت اعضای کمیته حسابرسی (بیش از ۵۰٪) را اعضای مستقل تشکیل داده باشند. به عبارت دیگر، استقلال کم کمیته حسابرسی قادر به جلوگیری از رفتارهای فرصت طلبانه مدیران نخواهد بود. بنابراین پیشنهاد می‌شود سازمان بورس اوراق بهادار شرکت‌ها را ملزم به داشتن کمیته حسابرسی با اکثریت اعضای مستقل نماید. همچنین، بررسی رابطه غیرخطی بین فعالیت کمیته حسابرسی و مدیریت سود نشان می‌دهد تعداد جلسات کمیته حسابرسی منجر به کاهش سود می‌شود اما پس از یک سطح بهینه، افزایش تعداد جلسات قادر به جلوگیری از رفتار فرصت طلبانه مدیران نخواهد بود. این نتیجه با نتایج پژوهش آلبرسمن و هانفیلز (۲۰۱۷) همخوانی دارد. براساس نتایج پژوهش، برگزاری جلسات ماهانه توسط کمیته حسابرسی حداکثر اثربخشی در کاهش

مدیریت سود را به همراه دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود برگزاری جلسات ماهانه و منظم در دستور کار کمیته‌های حسابرسی قرار گرفته و از این طریق نظارت موثری بر فرآیند گزارشگری مالی ایجاد شود.

فهرست منابع

۱. اعتمادی، حسین و ایمانی، محمد، (۱۳۸۵)، "ارائه مدلی برای رابطه بین کیفیت سود و بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران"، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
۲. تختائی، نصراله، تمیمی، محمد و موسوی، زهرا، (۱۳۹۰)، "نقش کمیته حسابرسی در کیفیت گزارشگری مالی"، **حسابدار رسمی**، شماره ۱۵، صص ۴۵-۵۶.
۳. سپاسی، سحر و کاظم‌پور، مرتضی، (۱۳۹۴)، "تاثیر وجود کمیته حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی بر هموارسازی سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس"، **دوماهنامه حسابرسان داخلی**، شماره ۵ و ۶، صص ۶۱-۷۴.
۴. سلیمانی، غلامرضا و فصیحی، صغری، (۱۳۹۴)، "بررسی رابطه ویژگی‌های کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی و واقعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **بررسی‌های حسابداری**، دوره دوم، شماره ۸، صص ۱۵-۳۴.
۵. سلیمانی، غلامرضا و مقدسی، مینا، (۱۳۹۳)، "نقش کنترل‌های داخلی، حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی در بهبود نظام راهبری (حاکمیت شرکتی)"، **پژوهش حسابداری**، سال سوم، شماره ۴، صص ۶۳-۷۷.
۶. صدیقی، هوشنگ و پاکدل، عبدالله، (۱۳۹۶)، "بررسی تاثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر افشای داوطلبانه"، **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، شماره ۲۴، صص ۸۵-۹۶.
۷. فخاری، حسین، محمدی، جواد و نتاج‌کردی، محمدحسن، (۱۳۹۴)، "بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود"، **مطالعات تجربی حسابداری مالی**، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۱۲۳-۱۴۶.
۸. لاری، محمود و اورادی، جواد، (۱۳۹۵)، "ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران"، **پژوهش‌های تجربی حسابداری**، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۶۹-۹۴.
۹. مشایخی، بیبا و صغری، مریم، (۱۳۸۵)، "وجه نقد ناشی از عملیات و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، دوره ۱۳، شماره ۴۴، صص ۳۵-۵۴.

۱۰. نصیرزاده، فرزانه، اورادی، جواد و رجبعلی‌زاده، جواد، (۱۳۹۶)، "بررسی تاثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی". **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری، شماره ۲۴، صص ۳۹-۵۲.
11. Abbott, L. J., Park, Y. & Parker, S., (2000), "The effects of audit committee activity and independence on corporate fraud", **Managerial Finance**, 26 (11), 55-67.
 12. Abbott, L., Parker, S. & Peters, G., (2004), "Audit committee characteristics and restatements", **Auditing: A Journal of Practice & Theory**, 23, 69-87.
 13. Albersmann, B.T & Hohenfels, D., (2017), "Audit Committees and Earnings Management –Evidence from the German Two-Tier Board System", **Schmalenbach Business Review**, 18(2), 147-178.
 14. Archambeault, D., DeZoort, F., & Hermanson, D., (2008), "Audit committee incentive compensation and accounting restatements". **Contemporary Accounting Research**, 25, 965-992.
 15. Baxter, P., & Cotter, J., (2009), "Audit committees and earnings quality". **Accounting and Finance**, 49, 267-290.
 16. Beasley, M. S. , Carcello, J. V., Hermanson, D. R. & Lapides, P. D., (2000), "Fraudulent financial reporting: Consideration of industry traits and corporate governance mechanisms", **Accounting Horizons**, 14(4), 441-454.
 17. Bédard, J., & Gendron, Y. Y., (2010), "Strengthening the financial reporting system: Can audit committees deliver? ", **International Journal of Auditing**, 14(2), 174-210.
 18. Bédard, J., Chtourou, S. & Courteau, L., (2004), "The effect of audit committee expertise, independence, and activity on aggressive earnings management", **Auditing: A Journal of Practice & Theory**, 23(2), 13-35.
 19. Bronson, S. N., Carcello, J. V., Hollingsworth, C. W. & Neal, T. L., (2009), "Are fully independent audit committees really necessary? ", **Journal of accounting and Public Policy**, 28(2), 265-287.
 20. Choi, J., Jeon, K. & Park, J., (2004), "The role of audit committees in decreasing earnings statement: Korean evidence", **International Journal of Accounting, Auditing & Performance Evaluation**, 1(1), 37-60.
 21. Davidson, R., Goodwin-Stewart, J., & Kent, P., (2005), "Internal governance structures and earnings management". **Accounting and Finance**, 45, 241-267.
 22. DeZoort, T. F., Hermanson, D., Archambeault, D., & Reed, S., (2002), "Audit committee effectiveness: A synthesis of the empirical audit committee literature". **Journal of Accounting Literature**, 21, 38-75.
 23. Ernstberger, J., Hitz, J., & Stich, M., (2012), "Why do firms produce erroneous IFRS financial statements? ", **Working Paper**: doi:10.2139/ssrn.2060328.
 24. Fodio, M. I., Ibikunle, J., & Oba, V. C., (2013), "Corporate governance mechanisms and reported earnings quality in listed Nigerian insurance firms". **International Journal of Finance and Accounting**, 2(5), 279-286.

25. Geraldes Alves, S., (2011), "The effect of the board structure on earnings management: evidence from Portugal". **Journal of Financial Reporting & Accounting**, 9,141-160.
26. Ghosh, A., Marra, A., & Doocheol, M., (2010), "Corporate boards, audit committees, and earnings management: pre- and post-SOX evidence". **Journal of Business Finance & Accounting**, 37, 1145-1176.
27. Healy, P. M., & James M.Wahlen. (1999), "A Review of Earnings Management Literature and Its Implications for Standard Setting", **Accounting Horizons**, 13, 365-383.
28. Healy, P., (1985), " The effects of bonus schemes on accounting decision", **Journal of accounting and Economics**, 7(3) , 85-107.
29. Jensen, M. C., (1993), "The modern industrial revolution, exit, and the failure of internal control systems", **The Journal of Finance**, 48(3), 831-840.
30. Jensen, M.C., & Meckling, W., (1976), "Theory of the Firm: Managerial Behaviour, Agency Costs and Ownership Structure", **Journal of Financial Economics**, 3, 305-360.
31. Juhmani, O., (2017), "Audit Committee Characteristics and Earnings Management: The Case of Bahrain", **International Journal of Accounting and Financial Reporting**, 7(1), 11-31.
32. Karamanou, I. & Vafeas, N., (2005), "The association between boards and audit committees with management earnings forecasts: An empirical analysis". **Journal of Accounting Research**, 43(3), 453-486.
33. Klein, A., (2002), "Audit committee, board of director characteristics, and earnings management", **Journal of Accounting and Economics**, 33(3), 375-400.
34. Kohler, A. G., (2005), "Audit Committees in Germany – Theoretical Reasoning and Empirical Evidence", **Schmalenbach Business Review**, 57, 229-252.
35. Kothari, S. P., Leone, A. J. & Wasley, C. E., (2005), "Performance matched discretionary accrual measures", **Journal of Accounting & Economics**, 39(1), 163-197.
36. Krishnan, J., Wen, Y., & Zhao, W., (2011), "Legal Expertise on Corporate Audit Committees and Financial Reporting Quality". **The Accounting Review**, 86, 2099-2130.
37. Li, J., Mangena, M., & Pike, R., (2012), "The Effect of Audit Committee Characteristics on Intellectual Capital Disclosure", **British Accounting Review**, 44 (2), 98-110.
38. Lin, J. W. & Hwang, M. I., (2010), "Audit Quality, Corporate Governance, and Earnings Management: A Meta-Analysis", **International Journal of Auditing**, 14(1), 57-77.
39. Lin, J., Li, J., & Yang, J., (2006), "The Effect of Audit Committee Performance on Earnings Quality". **Managerial Auditing Journal**, 21(9), 921-933.
40. Menon, K. & Williams, J. D., (1994), "The use of audit committees for monitoring", **Journal of Accounting and Public Policy**, 13(2), 121-139.

41. Naiker, V. & Sharma, D. S., (2009), "Former audit partners on the audit committee and internal control deficiencies", **The Accounting Review**, 84(2), 559-587.
42. Piot, C., & Janin, R., (2007), "External Auditors, Audit Committees and Earnings Management in France". **European Accounting Review**, 16, 429-454.
43. Sharma, V. D & Kuang, C., (2014), "Voluntary Audit Committee Characteristics, Incentives, and Aggressive Earnings Management: Evidence from New Zealand", **International Journal of Auditing**, 18, 76-89.
44. Siregar, S. V., & Utama, S., (2008), "Type of earnings management and the effect of ownership structure, firm size, and corporate governance practices: Evidence from Indonesia", **International Journal of accounting**, 43(1), 1-27.
45. Soliman, M. M. & Ragab, A. A., (2014), "Audit Committee Effectiveness, Audit Quality and Earnings Management: An Empirical Study of the Listed Companies in Egypt", **Research Journal of Finance and Accounting**, 5(2), 155-166.
46. Vafeas, N., (2005), "Audit committees, boards, and the quality of reported earnings". **Contemporary Accounting Research**, 22, 1093-1122.
47. Velte, P., & Stiglbauer, M., (2011), "Impact of audit committees with independent financial experts on accounting quality: An empirical analysis of the German capital market". **Problems and Perspectives in Management**, 9, 17-33.
48. Xie, B., Wallace, N., Davidson, I., & Peter J. D., (2003), "Earnings management and corporate governance: the role of the board and the audit committee". **Journal of Corporate Finance**, 9, 295-316.
49. Yang, J. & Krishnan, J., (2005), "Audit committees and quarterly earnings management", **International Journal of Auditing**, 9(3), 201-209.

تهران، میرداماد، نرسیده به میدان محسنی، خیابان حساری، نبش کوچه دهم پلاک ۳۴

کد پستی: ۱۵۴۷۷۳۳۹۱۱

تلفن: ۲۲۲۲۷۲۲۱

فکس: ۲۲۹۰۷۶۷۲

وبسایت

www.iaaaar.com

ایمیل

iranianiaa@yahoo.com



Audit Committee Characteristics and Earnings Management

Elnaz Tajvidi (PhD)¹

Assistant Professor of Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Mohsen Ghaempanah²©

Master of Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

(Received: 25 August 2018; Accepted: 26 December 2018)

As an integral part of the corporate governance structure, the audit committee is charged with overseeing the financial reporting process, and limiting earnings management is one of the main benefits of companies with an audit committee. Hence, this study examines the relationship between the characteristics of audit committee and accrual earnings management. For this purpose, we investigate the data of 88 companies listed by Tehran Stock Exchange for the period 2014 of 2016. The results of the research indicate that the participation of financial experts in audit committees, increasing the independence and size of audit committee has a significant relationship with less earnings management. Also, the results indicate that there is a U-shaped relationship between audit committee independence and earnings management. In other words, the low independence of the audit committee will not be able to prevent managers' opportunistic behaviors. So, when the majority of members of the Audit Committee are independent (over 50%), Audit Committee independence is leading to lower earnings management. In addition, the results of the research indicate that there is an inverse U-shaped significant relationship between audit committee meetings and earnings management. In this case, holding monthly audit committees (12 meet a year) has the most effectiveness in preventing earnings management. The "effective" number of audit committee meetings is determined at the minimum of the curve (minimum level), reflecting the lowest level of discretionary accruals.

Keywords: Audit Committee Characteristics, Audit Committee Effectiveness, Earnings Management.

¹ elnajtaj@gmail.com

² ghaemmohsen@gmail.com © (Corresponding Author)